

مدرسه، کنکور، دانشگاه

محمد داوری

دوباره با اعلام نتایج کنکور 1402 قصه پرغصه سهم مدارس مختلف از رتبه‌های برتر تکرار شده است و در این تکرار باز هم مانند سال‌های گذشته واکنش‌های مختلف و فریادها و ابرازنظرهای گوناگونی در رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی افکار عمومی را به خود مشغول ساخته است. در یکطرف طیف، عده‌ای اندک خوشحال از کسب کرسی‌های پرطرفدار و رتبه‌های برتر به رویاهایی می‌اندیشند که در دوران مدرسه در ذهن‌شان پرورانده و خانواده‌های آنها نیز مغرور از به نتیجه رسیدن به تبریک‌های اطرافیان پاسخ می‌دهند و خیلی‌ها هم می‌پرسند حالا با این رتبه می‌خواهد در ایران بماند یا مهاجرت کند؟ در آن طرف طیف هم ناکامان سد کنکور ناامید از شکست، سردرگریان به این می‌اندیشند که چه کنند و مسیر تحصیل و اشتغال را در کدام بستر پی بگیرند. در این میان کارشناسان و صاحب‌نظران هم با انتقاد از بی‌عدالتی، آمار سهم مدارس دولتی از رتبه‌های برتر را بهانه‌ای قرار داده‌اند و انتقادهای تکراری خود را با تاسف و تاجر از این تکرار، خطاب به مسوولان فریاد می‌کنند. اما در این میان آنچه باید مورد توجه همگان باشد این است که پدیده کنکور به عنوان پل میان مدرسه و دانشگاه چقدر معلول این بی‌عدالتی و چقدر علت این بی‌عدالتی است و ریشه این عدم توازن سهم مدارس دولتی عادی به نسبت مدارس خاص و غیردولتی کجاست؟ تردیدی نیست که نتایج کنکور نشان‌دهنده نوك كوه یخ بی‌عدالتی و بی‌کیفیتی و ضعف سیاست‌گذاری در 12 سال مدرسه است که خروجی آن این‌گونه تصویر می‌شود، رویکرد تنوع مدارس و تجمیع دانش‌آموزان باهوش در مدارس خاص از قبیل تیزهوشان، نمونه دولتی، هیات امنایی و غیردولتی و مدارس وابسته به نهادها و دستگاه‌های خاص و بی‌توجهی به کیفیت آموزشی در مدارس دولتی عادی موجب می‌شود تا سهم این‌گونه مدارس در

40 رتبه برتر 8 درصد باشد یعنی 92 درصد 40 رتبه برتر از سایر مدارس هستند که درصد کمی از دانش‌آموزان در آن مدارس تحصیل می‌کنند. تاسف‌بارتر اینکه هر قدر این موضوع مورد توجه قرار می‌گیرد سال به سال به جای اینکه چاره‌ای برای رفع این تبعیض اندیشیده شود، گرایش به مدارس خاص بیشتر می‌شود و شکاف بین دانش‌آموزان،

ناخودآگاه اکثریت دانش‌آموزان را بی‌انگیزه و ناامید می‌سازد که نتایج این بی‌انگیزگی و ناامیدی را هم می‌توان در معدل آزمون‌های نهایی، ترك تحصیل و افت تحصیلی و آسیب‌های اجتماعی و مواردی از این دست مشاهده کرد. واقعا نظام آموزش ما یعنی هم نظام آموزش عمومی و هم نظام آموزش عالی که پیونددهنده آن دو پل کنکور است در چنین شرایطی نویددهنده پرورش نسلی توسعه‌گرا و امیدبخش نیست و کودکان و نوجوانان ایران‌زمین در بحران ناامیدی پژمرده و بی‌آینده نه تنها فردا بلکه امروز خود را از دست رفته می‌بینند.

منبع: روزنامه اعتماد 31 مرداد 1402 خورشیدی